

حضرت آية الله العظمى صانعي (مد ظله العالی) :  
حج، طنين رسای لبیک بندگی خداست که فلسفه عملی آن زیباترین و  
عالی‌ترین مظهر اعلام «کرامت انسانی» به دنیای بشریت است.

مؤسسة فرهنگی - هنری فقه الثقلین

پاسخ به مسائل شرعی

دفتر حضرت آیه الله العظمی صانعی مدظله العالی

دفتر قم - تلفن: ۷۷۴۴۷۶۷ - ۷۷۴۴۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹

۷۸۳۱۶۶۰ - ۷۸۳۱۶۶۱ - ۷۸۳۱۶۶۲

نمابر: ۷۷۳۵۰۸۰ - ۰۲۵۱

نشانی: پل حجتیه، خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۴

---

دفتر تهران - تلفن: ۴ الی ۶۶۵۶۴۰۰۱ نمابر: ۶۶۵۶۴۰۰۵ - ۰۲۱  
نشانی: خیابان کارگر جنوبی، بین آذربایجان و جمهوری، کوچه کامیاب، پلاک ۱۷  
خیابان پاسداران - تلفن: ۸۱ - ۲۲۷۶۸۰۸۰

---

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۵۱۱۵۲ - ۲۲۲۲۲۷۷ - ۲۲۱۰۰۰۲ نمابر: ۲۲۲۲۵۷۷ - ۰۵۱۱

---

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲ - ۴۴۸۷۶۶۱ - ۴۴۸۷۶۶۰ نمابر: ۴۴۶۳۳۹۱ - ۰۳۱۱

---

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۴۳۳۳۴ - ۲۲۴۳۴۹۸ - ۲۲۲۲۲۹۴ نمابر: ۲۲۲۶۷۰۰ - ۰۷۱۱

---

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۳۰۰ - ۲۲۷۲۲۰۰ نمابر: ۲۲۵۹۷۷۷ - ۰۸۶۱

---

پاسخگویی به مسائل حج

تلفن: ۲ - ۷۸۳۱۶۶۰ همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۰۰۰۷

---

اینترنت: [www.saanei.org](http://www.saanei.org)

---

پاسخ به استفتائات [Istifta @ saanei.org](mailto:Istifta@saanei.org)  
تماس با دفتر معظم له [Saanei @ saanei.org](mailto:Saanei@saanei.org)  
شماره پیام کوتاه: ۳۰۰۰۷۹۶۰

# یکصد و ده مسئله از مسائل حج

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی

حاج شیخ یوسف صانعی (دام ظلّه العالی)

رمضان ۱۴۳۲ هـ

## یکصد و ده مسئله از مسائل حج

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر  
حضرت آیه الله العظمی صانعی (دام ظلّه العالی)

ناشر: انتشارات فقه الثقلین  
تدوین: مؤسسه فرهنگی - هنری فقه الثقلین  
لیتوگرافی: نویس □ چاپ: علوی  
نوبت چاپ: سوم / پاییز ۱۳۹۰ □ □ شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه  
بها: ۸۰۰ تومان  
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است  
شابک: ۹ - ۹ - ۹۰۰۹۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸



نشانی: قم - خیابان شهید محمد منتظری، کوچه شماره ۲۲/۱، پلاک ۱۲۵  
صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۹۶۷ - تلفن: ۸ - ۷۸۳۵۱۰۱ - فاکس: ۷۸۳۵۱۰۹  
همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸

حضرت آية الله العظمى صانعي (مد ظله العالی) :

حج، پایگاه و جایگاه ابراهیم ۷ بت شکن، اسماعیل ۷ تسلیم، هاجر فداکار، محمد، علی و فاطمه زهرا (صلوات الله عليهم) است و حاجی برگرد خانه‌ای می‌گردد و به کسی لبیک می‌گوید که می‌خواهد لباس منیت و خود خواهی را از تن بیرون کند و چون اسماعیل، با معرفت بر سعی صفا و مروه روی آورد.

حج، میراث بزرگ ابراهیم ۷ و محمد ۹ است که به همه خدا جوین می‌فهماند که اگر می‌خواهی به مفهوم واقعی کلمه «آدم» باشی به سوی ما بیا و از خودت فاصله بگیر و خدایی شو.

□□□□□ وقتی در مدینه راه می‌روی، هنوز بوی پیامبر و علی و فاطمه (علیهم و علی آلهم السلام) را استشمام می‌کنی.  
غربت بقیع و مظلومیت خاندان رسول گرامی اسلام: دیدگان‌ت را پر از اشک می‌سازد .

□□□□□ مدینه و بقیع تمام هویت ماست و ما با آن زندگی می‌کنیم و دوست داریم بر آن همه غربت و مظلومیت و ظلم و ستم بنی امیه و بنی عباس و همه ستمگران فریاد بر آوریم، اما نمی‌توانیم، بغضمان می‌ترکد و آهسته سرشک اشک از گونه‌هایمان جاری می‌گردد و به نیایش می‌پردازیم .

(مسئله) کسانی که با فیش میّت و به نیابت از وی به حج می‌روند اگر خود نیز تمام شرایط استطاعت بجز بازبودن راه را دارا باشند، (که آن هم با فیش حج میّت حاصل شده)، در این صورت استطاعت برایش حاصل نشده، چون در استطاعت غیر از مال و سلامتی بدن و بودن وقت، باز بودن راه از طریق مشروع و حلال نیز شرط است، آری، اگر از ناحیه صاحبان فیش و کسانی که فیش را به او داده‌اند اجازه به جا آوردن حج و اجیر گرفتن از مدینه یا جدّه برای متوفی به او داده باشند، در این صورت نه تنها چنین کاری جایز است، بلکه باید نایب بگیرد و اگر خودش برای میّت حج به جا آورد، حجّش به طور کلی باطل است یعنی نه برای میّت صحیح است و نه برای خودش.

(مسئله) اگر کسی که خیال می‌کرده مستطیع نیست، به نیت حج استحبابی مُحرم شود و اعمال عمره تمتع را انجام دهد

بعد در مگه معلوم شود مستطیع بوده است، کفایت عمره تمتع او از حج واجب خالی از وجه نیست و باید پس از اعمال عمره تمتع به نیت وجوب برای اعمال حج تمتع مُحرم گردد، کما اینکه اگر بعد از فراغت از اعمال حج تمتع هم متوجه شود که مستطیع بوده، حَجَّش صحیح و مجزی از حجة الاسلام می‌باشد.

**(مسئله)** کسی که هزینه سفر حج را ندارد اگر بتواند با قرض نمودن حج بجا آورد لازم نیست قرض نماید، ولی اگر قرض کرد در صورتی که قرض نمودن برای او هیچ گونه منت و مؤنه‌ای نداشته باشد و بتواند به سهولت قرض خود را اداء کند مستطیع می‌شود و اگر با آن حج به‌جا آورد از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

**(مسئله)** در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را به‌جا آورد، آری، اگر رفتنش به حج، باعث حرج و مشقت در زندگی می‌شود، حج برای او واجب نمی‌باشد، و در حج مستحبی هم اگر منافات با حق استمتاع شوهر باشد باید با اجازه شوهر باشد.

**(مسئله)** نایب در طواف نساء باید مانند بقیه اعمال، به قصد منوب عنه آن اعمال را بجا بیاورد و اگر طواف نساء را



نیاورد یا صحیحاً انجام ندهد، زن بر او حلال نمی‌شود.

(مسئله) برای کسانی که در حال اجیر شدن از معذورین نبوده‌اند و بعد از قبول نیابت و عقد اجاره، در موقع اعمال یا قبل از مُحرم شدن در جایی که فسخ عقد اجاره موجب ضرر معتدبه به مستأجر باشد (اگر او بخواهد ضرر را جبران نماید و اجیر برگردد و عمل را تمام ننماید)، و یا موجب ضرر معتدبه به اجیر باشد (اگر او بخواهد جبران کند و عمل را تمام نکند و نیاورد)، جزو معذورین شده‌اند صحت نیابت و کفایت از حج منوب‌عنه به حکم لاضرر و به حکم «كَلَّمَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ أَوْلَى بِالْعَدْرِ» خالی از وجه نمی‌باشد، اما اگر قبل از آن باشد اجاره خود به خود به خاطر عدم قدرت اجیر بر انجام وظیفه منوب‌عنه که معذور نبوده باطل است و نیابت از بین رفته می‌باشد.

(مسئله) نایب شدن معذور در حج واجب، صحیح نیست ولی نیابت تبرّعی در حج مستحبّی مانعی ندارد، چرا که در آن عدم عذر شرط نیست. ولی اگر باب استیجار و نیابت باشد، باید نایب قبل از عقد اجاره، عذر خود را تذکر دهد چون متعارف در اجاره حج، حج کامل و غیر معذور است.

(مسئله) نیابت افراد معلول از ناحیه دست یا پا جایز

است و مانعی ندارد، آری اگر نداشتن پا سبب گردد که نمازش را نشسته بخواند در نماز طواف احتیاط کند باین صورت که علاوه بر خواندن خودش چنین شخصی نایب بگیرد تا نایب هم نماز طواف را بخواند.

(س) ۱- اگر کسی از راه رفتن معذور باشد آیا می‌تواند نایب شود؟

۲- اگر شخصی در مدینه منوره، دیگری را اجیر کند که برای پدر وی حج میقاتی به جا آورد ولی مشخص نکرده است که از مسجد شجره مُحرم شود یا از میقاتهای دیگر آیا می‌تواند از مسجد شجره به نیت عمره مفرده برای خودش محرم شود و پس از آن به جُحفه یا قرن المنازل برود و برای عمره تمتع استیجاری محرم شود؟

ج ۱- شخصی که فقط از راه رفتن معذور است، می‌تواند نایب شود و با ویلچر طواف و سعی را انجام دهد و چنین افرادی از معذورین نمی‌باشند، چون طواف و سعی با ویلچر، با قدرت بر راه رفتن و در حال اختیار هم صحیح است.

ج ۲- اگر استیجار منصرف به احرام از مسجد شجره

نباشد مانعی ندارد.

(مسئله) در حج واجب، نیابت از طرف شخص زنده جایز نیست، مگر اینکه منوب عنه از به جا آوردن اعمال حج عاجز باشد (در صورتی که حج بر منوب عنه مستقر شده باشد)، اما نیابت در حج مستحبی از شخصی که در حال حیات است جایز است و ثواب بسیاری دارد و نیابت از میقات کفایت می‌کند.

(مسئله) کسانی که استطاعت برای عمره مفرده را داشته باشند و برای حج استطاعت نداشته باشند، عمره مفرده بر آنها واجب است، بنابراین، اشخاصی که به عنوان نیابت به حج می‌روند اگر سال اول آنها باشد و قبلاً عمره مفرده بجا نیاورده‌اند، باید بعد از تمام شدن اعمال حج برای خودشان عمره مفرده به جا آورند، چون آنها در آنجا استطاعت عمره مفرده را دارند.

(مسئله) كودك ممیز که خود مُحرم شده است، حکم بزرگسالان را دارد و باید مانند آنها شرایط طواف را رعایت نماید، چون خود طواف می‌کند و اعمال را انجام می‌دهد نه آنکه طوافش می‌دهند و سعیش می‌برند بنابراین علاوه بر

رعایت تمام شرایط در طواف و سعی باید در ابتدای طواف و سعی و بین طواف و سعی بیدار باشد، اما اگر کودک غیر ممیز باشد چنانچه در بین طواف یا سعی بخوابد، مانعی ندارد چون او را طواف و سعی می‌دهند نه آنکه خود طواف و سعی انجام می‌دهد.

(مسئله) برای احرام بستن، جاهای بخصوصی تعیین شده که به آنها میقات گفته می‌شود و باید شخص از آن مکانها مُحرم گردد که در عمره مفرده و عمره تمتع، برای کسانی که از مدینه به مکه مشرف می‌شوند مسجد شجره است و احرام بستن از داخل مسجد شجره واجب نیست و از خارج مسجد، تا حدودی که جزء ذوالحلیفه محسوب می‌شود، احرام جایز و صحیح است. بنابراین، احرام از بیرون مسجد و محل توقفهای ماشین و محل دست فروشها و خیابانهای مجاور و نزدیک مسجد که جزء ذوالحلیفه است، قطعاً کافی است و در احرام حج تمتع محل احرام شهر مکه است هر جای آن، گرچه در محله‌های تازه ساز باشد.

(مسئله) ادنی‌الحلّ میقات عمره مفرده‌ای است که بعد از حجّ افراد یا حجّ قیران به‌جا می‌آورند، و همه کسانی که در

مکه تصمیم می‌گیرند عمره مفرده به‌جا آورند میقات آنان ادنی‌الحلّ است و همچنین میقات کسی است که در حال عبور و رفتن به مکه از مواقیت خمسّه معروفه<sup>۱</sup> یا محاذی آنها عبور

نمایند، همانند کسانی که از جده می‌خواهند به مکه بروند و محاذات برایشان محرز نشده باشد (که برای غالب افراد اگر نگوییم برای همه، محرز نمی‌باشد). میقات اینها ادنی‌الحلّ می‌باشد و همچنین کسی که در غیر ماههای حج به مکه رفته و عمره مفرده به‌جا آورده و تا زمان حج در مکه مانده است می‌تواند از ادنی‌الحلّ محرم شود چون مواقیت معروفه میقات کسی است که از آنها یا محاذی آن عبور می‌کند نه آنکه موضوعیت داشته و شرط صحت باشد. هر چند احتیاط آن است که به میقاتی که از آن عبور کرده برود و از آنجا محرم شود.

(مسئله) اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی‌تواند عمره تمتّع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد محرم شود و حج افراد به‌جا آورد و

---

۱- ذوالحلیفه ۲ - جُفّه ۳ - یَلَمَم ۴ - قَرْن المَنَازِل ۵ - عقیق.<sup>۱</sup>

بعد از آن عمره مفرده انجام دهد و این حج از حجة الاسلام او کفایت می‌کند، ولی اگر در زمانی کشف خلاف شد، که امکان به جا آوردن اعمال عمره تمتع را داشت، واجب است به عمره تمتع عدول کند و بعد از آن حج تمتع که حجة الاسلام او می‌باشد، به جا آورد.

(مسئله) اگر شخصی بدون احرام از میقات اول یعنی میقاتی که از آن عبور می‌نماید، و با علم به اینکه باید از آنجا محرم شود عصیاناً و عمداً بدون احرام از آن عبور کرد، باید برگردد و از همان میقاتی که از آن گذشته و عبور کرده محرم شود مگر اینکه توبه کند که در صورت توبه حکم جاهل و ناسی را دارد که اگر امکان برگشتن به میقات را دارد باید برگردد و از میقات احرام ببندد و اگر ممکن نیست پس اگر داخل حرم نشده از همان جا احرام ببندد و احتیاط مستحب آن است که هر مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد و از آنجا محرم شود.

(مسئله) شاغلین در جده یا کسانی که از راه جده می‌خواهند برای عمره تمتع یا عمره مفرده به مکه بروند می‌توانند از ادنی‌الحل مثل مسجد تنعیم یا حدیبیه مُحرم شوند چون مواقیت معروفه، میقات کسانی است که از آنها عبور

می‌نمایند و همین‌طور محاذات میقات نیز میقات برای عبور کننده از آن می‌باشد و چون جده محاذاتش هم معلوم نمی‌باشد، بنابراین احرام از ادنی‌الحلّ برای آنها کفایت می‌کند و لازم نیست تغییر مسیر داده و به جُحفه بروند و محرم شوند.

(مسئله) کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه می‌شود اگر احرامش در ماه‌های حج<sup>۲</sup> بوده باشد، جایز است

که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع به‌جا آورد.

(مسئله) پس از انجام عمره تمتع مطلوب است که انسان برای بجا آوردن

اعمال حج تمتع در مکه بماند، پس اگر ضرورت و حاجتی نباشد بیرون نرفتن اولی و احوط است. آری، در زمانی که می‌ترسد اگر بیرون برود به حج تمتع و وقوف اختیاری عرفه نمی‌رسد، نباید بیرون برود.

(مسئله) بعد از اعمال حج تمتع، اگر شخص از مکه خارج شود و قبل از

آنکه يك ماه از خروجش از مکه بگذرد بخواهد مجدداً مراجعت کند، لازم

نیست مُحرم شود، بنابراین، می‌تواند بدون احرام داخل مکه شود. کما

اینکه می‌تواند به

---

۲. ماه‌های حج عبارت‌اند از: شوال، ذی‌قعدة، ذی‌حجة.

قصده مفرده هم مُحرم شود، و در صورت گذشت يك ماه از خروجش از مگه در صورت ورود به مگه لازم است که با احرام مفرده وارد حرم شود.

(مسئله) آنچه در لباس نمازگزار شرط است در لباسهای احرام نیز شرط است، بنابراین احرام در لباس حریر و لباسی که از اجزای حیوان حرام گوشت است، کفایت نمی‌کند؛ و بنا بر احتیاط مستحب، طواف کننده از نجاساتی که در نماز عفو شده (مثل خون کمتر از در هم و جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند مثل عرقچین و جوراب) اجتناب کند.

(مسئله) گره زدن لباس احرام مانعی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که لباسی را که لنگ قرار داده به گردن گره نزنند، و قرار دادن سنگ و یا چیز دیگر در لباس احرام و بستن آن با کیش یا وسیله دیگر به احرام ضرر نمی‌رساند، و احوط ترك وصل کردن لباس احرام با سنجاق و سوزن است، لیکن اقوی جواز وصل همه آنها است چون دوخته شده نمی‌باشد، ولی نباید به نحوی باشد که شبیه لباس دوخته شده محسوب شود.

(مسئله) مستحب است پیش از احرام، در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نُفساء نیز صحیح است،



و غسل احرام بلکه تمام اغسال مستحبه و واجبه، از وضو کفایت می‌کند. و تقدیم این غسل، بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب پیدا نشود، جایز است، و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب پیدا شد، مستحب است غسل را اعاده نماید. کما اینکه بدون عذر هم می‌تواند قبل از رسیدن به میقات در هتل غسل نماید، لیکن باید تا میقات و تلبیه گفتن و مُحرم شدن، غسلش را حفظ نماید.

(مسئله) در نیت عمره تمتع نه خطور به قلب لازم است و نه به زبان آوردن، بلکه مانند سایر عبادات داشتن همان انگیزه الهی و انجام وظیفه دینی، کافی است، و ناگفته نماند به زبان آوردن نیت عمره تمتع مانند به زبان آوردن نیت حج تمتع و حج افراد و قران مستحب می‌باشد، بلکه گفته شده به زبان آوردن نیت در تك تك اعمال عمره و حج هم مستحب است.

(مسئله) صورت تلبیه بنا بر اصح آن است که بگوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»، و اگر به این مقدار اکتفا کند، محرم شده و احرامش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که بعد از آن بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

(مسئله) کشتن ملخ در حال احرام، حرام است و مواظبت نمودن به طوری که زیر دست و پا کشته نشود، واجب است، و در صورت عدم مراقبت و کشته شدن ملخ، احتیاط مستحب آن است که پنجاه گرم طعام که تقریباً يك مُشت می‌شود، صدقه بدهد. و همچنین کشتن مگس و مورچه در حال احرام حرام است مگر آنکه موجب اذیت و آزار باشند که برای جلوگیری از اذیت به قدر حاجت و ضرورت مانعی ندارد.

(مسئله) اگر بدن یا لباس محرم به چیزهای خوشبو اصابت کند، باید بوی خوش را از آن با شستن برطرف نماید، یا لباس احرام را عوض کند؛ همچنین محرم از صابون، شامپوهای خوشبو و معطر و خمیر دندان که دارای بوی خوش می‌باشند، باید اجتناب نماید و همچنین استعمال چیزهای خوشبو مانند مشک، زعفران و عود، بر مُحرم حرام است، به خوردن باشد یا بوئیدن. ولی خوردن نعنا و سایر سبزیهای خوشبو مانعی ندارد و اگر کسی حس بویایی ندارد و یا احساس بویی نمی‌کند استعمال طیب نیز بر او حرام است.

(مسئله) بر مُحرم حرام است سرمه کشیدن به سرمه سیاهی که معمولاً برای زینت استعمال می‌شود هر چند قصد

زینت نکند و اگر برای معالجه چشم ناچار باشند سرمه بکشند، جایز است از سرمه‌هایی که در آنها چیزهای خوشبو به کار نرفته است استفاده نمایند و اگر بوی خوش داشته باشد گرچه زینت هم نباشد از باب استفاده از بوی خوش بنا بر اقوی حرام و کفّاره هم دارد و همچنین در حال احرام تاتو کردن ابرو (آرایشی که زنان بر روی ابرو انجام می‌دهند) حرام است اما قبل از احرام فی حد نفسه مانعی ندارد چون زیر پوست قرار می‌گیرد و مانع از صحت وضو و غسل هم نمی‌باشد.

(مسئله) شخص محرم بنا بر اقوی نباید در حال احرام بدن خود را روغن مالی کند، هر چند بوی خوش نداشته باشد؛ ولی اگر از روی اضطرار یا برای معالجه باشد، مثل پمادهایی که روی زخمها و ترک خوردگیها مالیده می‌شود، مانعی ندارد، این، در صورتی است که بوی خوش نداشته باشد؛ و اگر در روغن و کرم‌های نرم کننده، ضدآفتاب، تمیز کننده و برطرف کننده خشکی لب بوی خوش باشد کفّاره دارد که کفّاره آن يك گوسفند است گرچه از روی اضطرار باشد.

(مسئله) تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد، ولی اگر موجب آمدن خون از بدن می‌شود، حرام است؛ مگر در

مورد حاجت و ضرورت. و همچنین خون گرفتن از بدن با سرنگ در حال احرام اگر ضرورت اقتضا کند مانعی ندارد و مسواک نمودن در حال احرام اگر بداند سبب بیرون آمدن خون از لثه‌ها می‌گردد، حرام است.

(مسئله) بر مرد مُحرم لازم است که از مطلق لباس دوخته هر چند کم باشد، اجتناب کند، اما کمر بند و بند ساعت و دمپایی و امثال آنها اگر دوخته باشند، اشکال ندارد، چون بر این موارد صدق لباس نمی‌کند ولی احتیاط استحبابی در ترك است و همچنین بر محرم جایز است که پارچه ندوخته به دور کمر خود، و یا بین پاها برای جلوگیری از عرق سوز شدن، یا ستر عورت، ببندد.

(مسئله) جایز است مرد مُحرم هنگام خوابیدن، از پتو یا روانداز دوخته استفاده کند، هر چند روی پاهای او را هم بپوشاند، چون صدق لباس نمی‌کند ولی سر خود را نباید بپوشاند.

(مسئله) کسانی که از ناحیه پا معلول هستند و دارای پای مصنوعی می‌باشند و ناچار از پوشیدن جوراب یا پارچه می‌باشند پوشیدن آن مانعی ندارد چون پای مصنوعی حکم

پای طبیعی را ندارد بنا بر این پوشیدن جوراب خاص برای جانبازان و یا افراد دیگر که پایشان قطع شده برای قسمت قطع شده مانعی ندارد.

(س) اینکه مرد نباید در حال احرام سرخود را بپوشاند، آیا این حرمت، شامل کلاه گیس که نمی‌تواند از سرخود بردارد نیز می‌شود؟

ج - شمول ادله حرمت پوشاندن سر مرد در حال احرام، در چنین مواردی که کلاه گیس را برای پوشانیدن به سر نگذاشته و عرف هم آن را پوشش سر همانند پوشاندن با حنا و دوا نمی‌داند بلکه آن را موی سر مصنوعی می‌داند، مشکل، بلکه ممنوع است، لیکن احتیاط واجب در دادن يك گوسفند به عنوان كفاره است.

(مسئله) جایز نیست مرد مُحرم در روز هنگام سیر و طی مسافت، خود را در زیر سقف اشیای سایه دار متحرك مانند مَحْمِل یا ماشین یا هواپیما قرار داد ولی در شب، استظلال نیست، بنا بر این جایز است مرد مُحرم در شب با ماشین سقف‌دار به مگه یا جای دیگر برود و بین الطلوعین جزء شب است ولی هوای ابری در روز حکم آفتابی بودن را دارد نه حکم

شب. و بنا بر احتیاط واجب، محرم برای رفتن به رمی جمرات یا کشتارگاه یا در خود عرفات از چتر و امثال آن استفاده نکند.

(مسئله) بعد از آنکه مُحرم به منزل رسید - ولو در محله‌های جدید مکه که از مسجدالحرام دور هستند - بنا بر احتیاط واجب، نمی‌تواند در روز برای رفتن به مسجدالحرام در ماشینهای سقف‌دار سوار شود، یا زیر سایه برود و همچنین افرادی که از مسجد تنعیم محرم می‌شوند در روز نمی‌توانند از ماشینهای مسقف استفاده کنند و اگر پیاده روی برای آنها (افرادی که از منزل می‌خواهند برای اعمال به مسجدالحرام بروند) مختصر صدمه‌ای داشته باشد که معمولاً نیز چنین است و تهیه ماشین بی‌سقف هم مشکل باشد، به حکم سهولت و نفی حَرَج، رفتن با ماشین سقف‌دار، مانعی ندارد، ولی بنا بر احتیاط واجب، يك گوسفند كفاره بدهد، و ناگفته نماند که این گوسفند را می‌توان بعد از برگشتن به وطن ذبح نمود.

(س) استفاده از ماسکهایی که جهت جلوگیری از تنفس هوای آلوده و امراض مختلف به دهان می‌زنند، و بند آن را پشت سر می‌اندازند که بخش کوچکی از سر را می‌پوشاند، برای مردان و زنان مُحرم چه حکمی دارد؟

ج - از حیث ستر رأس برای مردان، مانعی ندارد چون با انداختن بند آن، به پشت سر، صدق ستر نمی‌کند، (واگر ماسک مخیط هم باشد در این صورت هم مانعی نیست) و اما نسبت به جلوگیری از تنفس هوای آلوده در صورتی که جلوگیری از استشمام بوی بد نباشد، مانعی ندارد؛ و اما نسبت به زنان چون موجب پوشیده شدن قسمتی از صورت می‌شود، مطلقاً حرام است و جایز نمی‌باشد، ولی در مواقع ضرورت مانعی ندارد و کفاره هم بر او واجب نمی‌باشد.

(مسئله) طواف کردن باید به نحو متعارف باشد و در تمام اشواط، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود، یعنی نباید از حجرالاسود که شروع می‌کند به طرف رکن یمانی دور بزند، بلکه از حجرالاسود شروع کند و به طرف رکن عراقی و بعد رکن شامی و بعد رکن یمانی برود و دور بزند، و زیادتر از آن لازم نیست بلکه اگر موقع دور زدن مثلاً رو به کعبه هم باشد، اشکال ندارد.

(مسئله) واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده به طرف جلو باشد، بلکه جایز است به سمت راست یا

چپ نگاه کند و یا صورت خود را برگرداند، بلکه به عقب نگاه کند، کما اینکه می‌تواند رو به روی کعبه شود و دور بزند، همچنین می‌تواند طواف را رها کند و کعبه را ببوسد و برگردد از همان جا طوافش را ادامه دهد، آری، نباید عمدآ پشت به کعبه طواف نماید، و اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان و کثرت جمعیت روی طواف کننده به کعبه واقع شود و یا عقب عقب طواف کند یا پشتش بدون قصد و یا بدون صدق اهانت به کعبه واقع شود، طوافش صحیح است.

(مسئله) قطع کردن طواف مستحبی، هر چند بدون عذر باشد، جایز است، اما در طواف واجب، احتیاط واجب در عدم قطع بدون عذر می‌باشد، ولی به هر حال اگر قطع نمود و طواف را از سرگرفت مجزی است.

(مسئله) طهارت از حدث اکبر و حَدَث اصغر در طواف واجب، شرط صحت است و بدون آن، طواف باطل است اَمَّا طَهَارَت از حَدَث اصغر در طواف مستحبی شرط نیست، لیکن برای نماز آن شرط است؛ و اَمَّا، کسی که جنب یا حائض است، چون جایز نیست به مسجد الحرام وارد شود، و اگر غفلتاً یا نسیاناً وارد شد و طواف مستحبی انجام داد، طوافش صحیح نمی‌باشد



و کودکی که ممیز است و خودش محرم شده حکم بزرگسالان را دارد و باید مانند آنها شرایط طواف را رعایت نماید، چون خود طواف می‌کند و اعمال را انجام می‌دهد، و اگر حج گزار بعد از انجام اعمال عمره و حج بفهمد وضویش باطل بوده با تدارک طوافها و نماز، حجش صحیح است.

(مسئله) اشخاص مسلوس (کسانی که بدون اختیار از آنها ادرار خارج می‌شود) باید برای طواف و نماز به همان نحوی که برای نمازهای یومیّه عمل می‌کنند عمل نمایند یعنی برای هر يك از طواف و نماز طواف يك وضو بگیرند و این کافی است، و خروج حدث بعد از آن مضرّ نمی‌باشد، آری، اگر می‌تواند بدون زحمت طواف یا نماز آن را در حالی که با وضو است و حدث خارج نمی‌شود انجام دهد باید به همان نحو عمل نماید، چون عدم مضرّ به خروج حدث برای امثال مسلوس به حکم مشقّت و ضرورت است. و اشخاصی که عمل جراحی انجام داده‌اند و کیسه‌ای بسته‌اند که بول آنها قطره قطره در آن کیسه می‌ریزد و از غیر مجرای بول می‌باشد حکم مسلوس را دارند.

(مسئله) اگر در اثنای طواف حدث عارض شود اگر پیش از رسیدن به نصف طواف باشد در این صورت طواف

باطل است و باید پس از وضو آن را از سر بگیرد و اگر پس از رسیدن به نصف و پیش از تمام شدن دور چهارم باشد در این صورت بنا بر احتیاط مستحب پس از وضو طواف سابق را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را از سر بگیرد. و اگر بعد از تمام شدن دور چهارم باشد در این صورت بعد از وضو طواف را تمام کند و در تمام صورت اگر طواف را از سر بگیرد مجزی است و راحت هم می‌باشد. و اگر طواف کننده در اثنای طواف محدث شده باشد ولی به اعتقاد صحت، اعمال حج را انجام داده باشد، حجت صحیح است ولی باید با ملاحظه قبل و بعد از شوط چهارم طواف و نماز آن را تدارک نماید.

(مسئله) برای زن مستحاضه متوسطه و کثیره، رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی در صورتی جایز است که غسل کند و در مستحاضه کثیره و متوسطه باید علاوه بر اغسال یومیّه، يك غسل برای طواف و یکی هم برای نماز آن انجام دهد و هر کدام از طواف و نماز مستقل هستند، یعنی برای هر يك غسل لازم است، مگر آنکه از زمان غسل کردن برای طواف تا آخر نماز، خون قطع شود.

(مسئله) زنها چه سیّده و چه غیر سیّده بعد از گذشت پنجاه

سال قمری اگر خون حیض نبینند و عادت ماهانه آنها کلاً قطع شود یا خونی که می‌بینند شك داشته باشند که حیض است یا غیر آن یا ئسه می‌باشند، یعنی خونی که می‌بینند محکوم به حیض نیست؛ ولی اگر خونی که می‌بینند یقین داشته باشند که همان خون عادت قبل از پنجاه سالگی است تا هر زمانی که یقین دارند همان خون است، یا ئسه نشده‌اند و باید به وظیفه حائض عمل کنند.

(س) آیا بانوان می‌توانند برای پیشگیری از عادت ماهانه در ایّام حج، از قرص استفاده کنند؟

ج - آری می‌توانند، چون قطع حیض با معالجه و دارو، حکم پاک بودن طبیعی را دارد.

(س) در طبقات فوقانی مسجدالحرام طواف کردن چه صورتی دارد؟

ج - ظاهراً طواف در طبقه فوقانی مسجدالحرام که طواف فضا و هوای متعلق به بیت باشد، همانند طواف در طبقه پایینی و صحن مسجدالحرام مجزی و صحیح می‌باشد. چون اسامی و نامهایی همانند مسجد و بیت و مدرسه و رباط، اسامی و اعلامی برای مجموعه از ساختمان و فضا و هوای متعلق به آنها است و محکوم به

احکام آنها می‌باشند. بناءً علی هذا، فضای محاذی با بیت‌الله الحرام و البيت العتیق همانند دیوارها و جدارها و ارکان آن، جزء بیت‌الله است و همان طور که طواف به دور آنها طواف بیت‌الله است، پس طواف فضای متعلق به بیت‌الله در بالا هم طواف بیت‌الله و مجزی است، و ادعای اینکه بیت‌الله و یا غیر آن از اسامی و اعلام همانندش مثل مسجد و مدرسه نام ساختمان و بنا است، نه اعم از آن و فضای محاذی متعلق به آنها، ظاهراً ناتمام می‌باشد که سیدنا الاستاذ الامام الخمینی «سلام الله علیه» مفصلاً از آن در اصول<sup>۳</sup> بحث نموده و همان معنای اعم و قدر جامع را پذیرا شده که مطابق با تحقیق می‌باشد و بنا بر این مبنا است که تمام احکام مسجد الحرام و مسجد النبی بر آن دو مسجد فعلی با همه توسعه آنها جاری می‌باشد، و ناگفته نماند که این نظریه یعنی وضع اسامی بر قدر جامع و اعم که در اول پاسخ به آن اشاره شده به نظر فقیه بزرگوار

---

۳. تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۵۶، (بحث صحیح و اعم، بحث امر رابع).

كاشف الغطاء<sup>۱</sup> تأييد می‌شود که آن فقیه کم نظیر اگر نگوییم بی نظیر در کشف الغطاء خود در بحث مواقیت فرموده: «الاول: فی ان المواقیت بأسرها عبارة عما يتساوى الاسماء من تخوم الارض الى عنان السماء فلو احرم من بئر او سطح فيها - راكباً او ماشياً او مضطجعاً و فی جميع الاحوال - فلا باس به»<sup>۴</sup> و به نظر می‌رسد

که اگر آن فقیه بزرگوار راجع به طواف هم بحث نموده و متعرض آن شده بود، قطعاً طواف در طبقات فوقانی را نیز مجزی می‌دانست.

(مسئله) به نظر این‌جانب طواف باید دور کعبه و در مسجد الحرام باشد و لازم نیست که بین کعبه و مقام ابراهیم<sup>۷</sup> باشد، پس حدّ طواف مسجد الحرام است، هر چند پشت مقام باشد.

(س) اشخاصی که قدرت بر طواف ندارند، آیا باید نایب بگیرند یا خودشان سواره طواف نمایند؟

ج - باید خودشان سواره طواف نمایند، چون طواف

---

۴ . کشف الغطاء، مواقیت الاحرام، المقام الثانی فی احکامها، ص ۵۴۹.

سواره در حال اختیارهم صحیح است، چه رسد به حال عدم اختیار.

(س) موالات میان اشواط طواف، چگونه به هم می‌خورد، آیا با خواندن دو رکعت نماز مستحبی یا فعل منافی با طواف، به هم می‌خورد یا نه؟

ج - خواندن مثل دو رکعت نماز مستحبی که جزء حاجات نمی‌باشد چه رسد به فعل منافی با طواف، مضرّ به صحت طواف است و جایز نبوده، چون بر خلاف سنّت طواف می‌باشد و قطع نظر از آنکه شاید بتوان به دلیل تأسی عدم جواز آن را اثبات کرد، صحیحه حلبی<sup>۵</sup> هم بر آن دلالت روشن دارد، چون مخالفت با سنّت در طواف را ابو عبدالله جعفر الصادق<sup>۷</sup> در همان صحیحه علت بطلان ولزوم اعاده آن دانسته.

(س) اگر کسی عمدأ یا سهواً از دور پنجم یا ششم طواف را رها کند، آیا می‌تواند آن را از سر بگیرد؟

---

. التهذیب: ۱۱۸/۵، ح ۳۸۶؛ الوسائل ۱۳: ۳۷۹، أبواب الطواف، باب ۴۱، ح ۵<sup>۵</sup>

ج - بلی می‌تواند آن را از سر بگیرد و به طور کلی هر کجا و در هر شرایطی چه قبل از نصف و چه بعد از آن که بخواهد طواف ناقص یا مشکوک را از سر بگیرد، مانعی ندارد و مجزی است و صحیح می‌باشد، چون حکم به اتمام و عدم قطع در مواردی که وارد شده، حکم ترخیصی و ارفاقی می‌باشد نه حکم وجوبی.

(س) اگر طفل غیر ممیزی که او را طواف می‌دهند، در حال طواف، خودش را نجس کند، آیا فقط طواف طفل باطل است یا طواف پدر هم به علت حمل شیء نجس باطل است؟

ج - نجس کردنش ظاهراً مانع از صحت طواف طفل نیست، چون در طواف طفل به خاطر عدم تمییزش ادله شرایط معتبره در طواف از او انصراف دارد، مگر آنچه را که طواف دهنده بتواند در حقش ولو به نحو صورت ظاهری مثل وضو دادن انجام دهد که رعایت آنها برای طواف دهنده لازم است، و طواف پدر هم به خاطر آنکه معمول متنجس در طواف معفو عنه است نیز درست می‌باشد. (مسئله) واجب است نماز طواف را فوراً و بدون تأخیر

پس از طواف بخواند و بین طواف و نمازش فاصله نیندازد و میزان، مبادرت عرفیه است و در هر صورت، با تأخیر، اعاده طواف لازم نیست. (مسئله) نماز طواف واجب را باید پشت مقام ابراهیم<sup>۷</sup> به جا آورد، به نحوی که مقام در جلوی شخص قرار گیرد (نه محاذی سمت راست یا چپ آن)، و پشت مقام حدّ معینی ندارد، و میزان در پشت مقام بودن صدق عرفی است، لیکن هرچه نزدیکتر باشد بهتر و احوط است.

(س) نماز طواف کسانی که در طبقه فوقانی طواف خود را انجام داده اند چه حکمی دارد؟

ج - به طور کلی آنچه در نماز طواف واجب شرط است، در مسجد الحرام و پشت مقام بودن آن است (یعنی در جلوی مقام و یا دو طرف آن و یا در حجر اسماعیل<sup>۷</sup> نباشد)، بنابراین، نماز خواندن در طبقات فوقانی مسجد الحرام در صورتی که پشت مقام باشد، صحیح و مجزی است. (مسئله) احکامی که برای نماز خواندن مرد و زن با محاذات همدیگر و یا تقدم مرد بر زن در سایر جاها وجود



دارد، برای مرد و زنی که در مسجد الحرام نماز می‌خوانند، وجود ندارد و نماز آنها حکم نماز دو مرد و یا دو زن در سایر جاها را دارد و موثقه فضیل<sup>۶</sup> دلیل و حجت بر این استثنا

می‌باشد و در این استثنا به حکم اطلاق، فرقی بین نماز طواف و یا نمازهای دیگر از واجب و مستحب نمی‌باشد.

(س) در مورد کسی که نمازش را غلط می‌خواند و وقت تصحیح آن را ندارد، می‌فرمایید نماز طواف را به همان کیفیت که می‌تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می‌تواند عمره مفرده مستحبی به جا آورد؟  
ج - اشکال ندارد.

(مسئله) لباسهای ساتر نمازگزار باید مباح باشد و اگر شخصی با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس ساتر بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است، همچنین اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده، بپردازد.  
(مسئله) سعی باید بین صفا و مروه باشد و اگر مسیر بین

---

۶ . الوسائل: ۱۲۶/۵، أبواب مکان المصلی، ب ۵، ح ۱۰.

صفا و مروه را چند طبقه کنند، سعی نمودن از هر طبقه برای تمام افراد اعم از معذور و غیر معذور جایز است، چون سعی و مشی از صفا به مروه و بالعکس (که مورد نص و فتوی است) در هر طبقه ولو بالاتر از کوهها هم باشد، بر آن صدق می‌کند و صدق در هر طبقه عرفاً تابع سعی در همان طبقه است، و لذا کسی که با هواپیما از شهری به شهر دیگر می‌رود و بر می‌گردد گفته می‌شود که از فلان شهر به شهر دیگر رفت و آمد نموده است، گرچه مسیرش میان آن دو شهر روی زمین نبوده است.

(س) لطفاً بفرمائید سعی در قسمت افزوده شده جدید چه حکمی دارد؟

ج - آنچه در حج و عمره جزء واجبات بلکه جزء ارکانش محسوب شده و از شعائر الله است که در قرآن آمده ( إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ آغْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ )<sup>۷</sup> سعی بین صفا و مروه یعنی سعی بین آن دو

کوه و بین الجبلین می‌باشد، پس معیار و مناط مسعی،

---

۷ . البقرة (۲) : ۱۵۸.

حسب ظواهر ادله و اطلاق آنها از حیث عرض آن دو کوه، شرقاً و غرباً همان وجود کوه و امتداد آن ولو از حیث ریشه کوه و سفائح آن بوده و هست، و به نظر اینجانب حسب گزارشهای واصله، از شهادت معمرین که جبلین تا مقداریکه بناست جزء مسعی شود امتداد داشته، و اخبار اهل اطلاع و خبره و کارشناسان به امتداد ریشه‌ها و رؤیت اینجانب در سالهای گذشته نسبت به مروه و اینکه امتداد آن بیش از مقدار عرض مسعی جدید بوده، و از همه گذشته عنایت علماء و فقهاء حرمین بحفظ مشاعر و مناسک حج و رعایت تعبد در آنها و گواهی و شهادت برخی از آنها به اتصال کوه صفا به ابوقبیس و اینکه مسعی از طرف کوه مروه از حیث عرض بیش از مقدار توسعه یافته فعلی بوده، همه و همه حجت عقلائیه و شرعیّه بر امتداد می‌باشد و سعی در مسعی جدید سعی بین الجبلین است و چگونه چنین اموری حجت شرعی نباشد با آنکه بعض آنها چه رسد به همه آنها موجب اطمینان و علم عادی بر امتداد است. بنابراین سعی نمودن در مسعی جدید

در تاریخ فعلی (یعنی سنه ۱۴۲۹ هجری قمری) که در سؤال آمده و مشغول ساختن و تهیه آن می‌باشند و گفته می‌شود عرضش بقدر مسعای فعلی یعنی حدود بیست متر است، با قیام حجت شرعی بر بودن آن مقدار اضافه شده بین دو کوه صفا و مروه ولو بین ریشه‌های باقی مانده از آنها که نشانه امتداد کوهها می‌باشد موجب اجزاء و صحت و مسقط تکلیف است، و فرقی بین سعی در آن محل و محل فعلی (که مقداری از خود جبلین در آن وجود دارد و باقی مانده) دیده نمی‌شود چون سعی در آن محل هم با قیام حجت ذکر شده سعی بین الصفا والمروة است و در صدق صفا و مروه وجود بلندی آن دو کوه قطعاً شرط نمی‌باشد و لذا مقداری از عرض صفای فعلی هم بلندی کوه در آن دیده نمی‌شود.

(مسئله) واجب است فاصله میان دو کوه را طی کند و باید توجه داشت که هم اکنون قسمتی از کوه صفا و مروه را با سنگ مفروش کرده‌اند و تنها قسمتی از کوه نمایان است و لازم نیست به قسمت بالای سرایشی برود، بلکه همین اندازه که به قسمت سربالایی برود و مقداری از آن را جزو سعی قرار دهد،

کفایت می‌کند و احتیاط و دقت زیاد که پاشنه پای خود را به کوه برساند نه تنها لازم نیست بلکه ممکن است نامطلوب هم باشد.

(مسئله) اگر شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی به عقب برگردد و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی کند، و یا گمان کند در محل هروله، واجب است که هروله کند و لذا برگردد و مقداری را که عادی طی کرده بود، با هروله تکرار کند به سعی او ضرری نمی‌زند، چون زیاده عمدیه نمی‌باشد، لیکن احتیاط در رها کردن آن سعی و از سرگرفتن آن مطلوب است.

(س) کسی که طواف و نماز طواف را انجام داده، آیا می‌تواند سعی را با فاصله زیاد انجام دهد، مثلاً روز دیگر، و یا اگر طواف و نماز را شب انجام داده و بسیار خسته است آیا می‌تواند سعی را فردا بجا آورد؟  
ج - تأخیر سعی تا شب جایز است ولی در حال اختیار تأخیر سعی تا فردا جایز نیست.

(س) در فتوای فقها استحباب سعی وارد نشده است، آیا سعی استحباب نفسی دارد یا نه؟ و در موردی که سهواً سعی را اضافه به‌جا آورد، فتوا به استحباب هفت شوط دوم داده‌اند.

آیا از این مورد می‌توان استحباب سعی را استفاده کرد؟

ج - از بعضی روایات استحباب نفسی سعی استفاده می‌شود مثل آنچه صحیحاً روایت کرده محمد بن قیس از ابی‌جعفر<sup>۷</sup> قال: «قال رسول الله<sup>۹</sup> لرجل من الانصار إذا سعيت بين الصفا والمروة كان لك عند الله اجر من حج ماشياً من بلاده»<sup>۸</sup> ، پس در اینکه حضرت ثواب سعی را معادل با حج پیاده از شهرش برای سعی کننده قرار داده شهادت است براینکه سعی ثواب مستقلاً دارد و الاً قرار دادن ثواب جزء معادل ثواب کل مناسب نبود.

(س) در صورتی که در طبقه پایین امکان سعی وجود نداشته باشد، شخص مُحرم چه وظیفه‌ای دارد آیا سعی از طبقه بالا صحیح است؟ ۲- آیا با علم به این مطلب می‌توان از ابتدا مُحرم گردد؟ ۳- در صورت عدم جواز، حکم رفتن به مکه در فرض ضرورت و غیر ضرورت چیست؟

ج - سعی از طبقه دوم مطلقاً جایز است بنابراین در هر سه فرض اشکالی ندارد.

---

۸ . وسائل الشیعة: ۱۳ ۴۷۱، کتاب الحج، أبواب السعی، باب ۱، حدیثه ۱. ۸

(مسئله) پس از فراغت از سعی لازم نیست فوراً تقصیر کند، بلکه می‌تواند آن را به تأخیر اندازد، کما اینکه می‌توان در منزل یا جای دیگر تقصیر نمود و اولی و احوط تقصیر در مروه است، ولی به هر حال باید پیش از احرام حج، تقصیر را انجام داد که احرام داخل در احرام نشود و در عمره تمتع پس از تقصیر، آنچه به سبب احرام، حرام شده بود، حلال می‌شود، حتی نزدیکی با زن، به غیر از تراشیدن سر، [برای کسانی که حلق در منی بر آنها واجب است که نباید سر خود را به صورتی بتراشند که مانع صدق حلق در منی بشود] و همچنین غیر از صید در حرم و کندن و بریدن گیاهان.

(مسئله) شخص مُحرم قبل از آنکه خودش تقصیر کند و از احرام خارج شود نمی‌تواند برای دیگری تقصیر کند و در تقصیر لازم نیست که انسان خودش تقصیر نماید، بلکه اگر دیگری هم گرچه غیر شیعه باشد و برایش تقصیر کند، و خودش نیت تقصیر و قصد قربت نماید، کفایت می‌کند.

(مسئله) خدمه کاروانها و یا افراد دیگر پس از انجام عمره تمتع می‌توانند بدون احرام حج، برای دیدن چادرها و کارهای دیگر از مکه خارج شوند و به منی و عرفات بروند، گرچه احتیاط

مستحب در خارج شدن با احرام حج تمتع است، و ناگفته نماند که حتی بنا بر قول به عدم جواز خروج آنها بدون احرام برای حج، اگر بدون احرام رفتند به حجشان ضرری نمی‌زند.

(مسئله) واجب است بر مُحرم به احرام حج، روز عرفه (نهم ذی الحجه) از ظهر تا غروب آفتاب در عرفات باشد و در آنجا نیت وقوف کند و مقصود از وقوف، توقف کردن و بودن در آن مکان است به قصد قربت و برای رضای خدا و آن رکنی است از ارکان حج که اگر عمداً آن را ترك کند حجش باطل است و در عرفات و مشعرالحرام برای مشخص کردن محدوده‌های آن علایمی نصب کرده‌اند که اعتماد به آنها جایز است، چون از روی حساب و شناخت و بررسی تعیین شده که اگر اعتماد و اطمینان به آنها، زیادتیر از گفته مردم که در روایات، اکتفای به آن تجویز شده نباشد، کمتر نخواهد بود.

(مسئله) برای کسانی که معذورند جایز است مقداری از شب را در مشعرالحرام توقف کنند و سپس به منی کوچ کنند (مانند زنها و بیماران و پیر مردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه معذورین باشند)، لیکن احتیاط مستحب آن است که پیش از نصف شب



حرکت نکنند، بنابراین، برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست. (مسئله) رعایت ترتیب در اعمال منی در روز عید واجب نیست بلکه مستحب است، بنابراین، حاجی می‌تواند قبل از رمی و حلق، قربانی نماید بعداً دو عمل دیگر «یعنی و حلق و یا تقصیر» را به جا آورد و همانند کسی که رعایت ترتیب را نموده از احرام خارج شود همچنان که قبل از ذبح هم می‌تواند حلق یا تقصیر نماید و اگر رمی جمره عقبه را هم انجام داده از احرام نیز خارج می‌شود [مگر زن و بوی خوش که اینها بعد از بجا آوردن اعمال مکه حلال می‌شود] چون با رمی و حلق در خروج از احرام در منی کفایت می‌کند و قربانی نمودن دخیل در خروج از احرام نبوده، گرچه واجب است.

(مسئله) کسانی که عذر دارند از اینکه در روز رمی کنند، مانند اشخاص بیمار، می‌توانند در شب رمی کنند، و هر وقت شب که باشد مانعی ندارد، و معذورین، مانند زنان و پیرمردان و کودکان و ضعیفان که شبانه از مشعر به منی کوچ داده شده‌اند نیز جایز است در شب عید، رمی جمره عقبه را انجام دهند، بلکه زنها مطلقاً مجازند همان شب رمی نمایند.

(مسئله) در طبقات فوقانی جمرات، رمی جایز است و لازم نیست حتماً در طبقه اول رمی نمایند.

(س) با توجه به این که بانوان می‌توانند رمی روز دهم را شب انجام دهند، آیا حتماً باید شب عید باشد یا شب یازدهم نیز جایز است و در فرض جواز در صورتی که زن در اعمال حج نایب دیگری باشد چه صورتی دارد؟

ج - شب یازدهم نیز جایز است هر چند نایب در حج باشد.

(مسئله) مراد از جمره آن بنای مخصوص است و واجب است که سنگها به جمره اصابت کند و اگر به آن جمره اصابت نکند، کفایت نمی‌کند.

(س) اگر جمرات یا یکی از آنها را تعمیر کنند به طوری که به قسمتی از جمره اضافاتی شده باشد، وظیفه حاجی چیست؟

ج - رمی بر آنها کفایت می‌کند و فرقی بین آن گونه اضافه‌ها و اضافه عمودی وجود ندارد، چرا که در روایات به خصوصیات علامت از جهت طول و عرض اشاره‌ای نشده، بنابراین، اصل برائت از خصوصیت و محدودیت علامت جاری و محکم است، بعلاوه از

آنکه به نظر می‌رسد متفاهم عرفی به مناسبت حکم و موضوع و خصوصیات که در رمی معتبر شده، جمرات به عنوان مَرَمی و محل ضَرْب است و به منزله نشانه‌ای در رمی می‌باشد، مضافاً به آنکه یقیناً از زمان تشریح رمی تاکنون در آن نشانه‌ها که خوردن حصات و ریگها به آنها لازم بوده و هست تغییراتی از جهت اندازه در آنها ایجاد گردیده است، و هیچ رَدع و منعی در روایات و عبارات اصحاب از آنها نشده است.

(مسئله) موالات در جمرات سه‌گانه معتبر نیست، یعنی مثلاً می‌تواند جمره

اولی را در صبح رمی کند و جمره وسطی را در ظهر و جمره عقبه را قبل از غروب، ولی در رمی هر يك از جمرات موالات عرفیه لازم است.

(مسئله) اگر کسی از رفت و آمد تا محل رمی، ولو با ماشین در تمام وقت در روز معذور باشد و در شب هم امکان رمی برای او نباشد، باید کسی را نایب بگیرد تا رمی را به نیابت از او در روز انجام دهد.

(س) اگر کسی در روز عید نتواند قربانی کند و حلق یا تقصیر هم نکرده باشد، آیا می‌تواند رمی روز یازدهم را با

احرام رمی کند؟

ج - مانعی ندارد.

(مسئله) محلّ قربانی کردن در حال اختیار باید در منی باشد و در جای دیگر کفایت نمی‌کند، ولی در صورت عدم امکان ذبح در منی، و در صورت ضرورت، قربانی کردن در مسلخ جدید که امروزه به نام «مُعَیْم» نامیده می‌شود، مجزی است. بنابراین، قربانی کردن برای حج در شهرها و بلاد مجزی نیست و کفایت نمی‌کند.

(مسئله) واجب است قربانی در روز باشد، حتی کسانی که معذور بودند و شب از مشعر کوچ کرده‌اند و رمی جمره عقبه را شبانه انجام داده‌اند، قربانی نمودن در شب حتی از آنها هم مجزی نمی‌باشد، چون ذبح در شب مورد نهی و کراهت مولوی است، «والعبادة لاتجتمع مع النهي والكراهة لما بينهما من التنافي و ماتری من صحة الصوم يوم عاشورا او الصلاة فی الحمام مثلا فانما تكون من جهة حمل النهي فی امثالهما مما تعلق بخصوص العبادة علی اقلية الثواب ارشاداً، جمعاً بین النهي المتعلق به و عباديته وهذا بخلاف مثل الذبح مما تعلق النهي به علی اطلاقه فلا یصحّ منه الذبح العبادي لما مرّ من عدم الاجتماع

ولا وجه لحمل ذلك النهي على الارشاد لعدم الاجتماع في الثبوت كما لا يخفى فتدبر جيداً، نعم تكون التضحية ليلاً مجزية للجاهل القاصر بالمسألة لانتفاء شرطية النهار و مانعية الليل عنه قضاءً لحديث الرفع و غيره من ادلة البرائة الشرعية».

(مسئله) لازم نيست خود انسان ذبح کند و جايز است شخص در قربانی به ديگری نيابت بدهد و نايب بايد در موقع ذبح نيت کند، و اقوی آن است که خود شخص هم اگر هنگام ذبح در محل ذبح می‌باشد، نیز نيت نمايد. (مسئله) اگر نايب عمداً در اوصاف ذبيحه يا در ذبح آن بر خلاف فتوای مرجع تقليد خود عمل کرد، ضامن است و در اين صورت، علاوه بر غرامت بايد مجدداً ذبح کند؛ و اگر از روی اشتباه يا جهل بر خلاف فتوای مقلدش عمل کرده، اگر برای عمل اجرت گرفته باشد، ضامن است، و در غير اين صورت ضامن نمی‌باشد و در هر دو صورت ذبح را اعاده کند. گرچه اقوی عدم اعاده است در صورت دوم.

(س) بعضی از محله‌های جديد مگه، در منی ساخته شده است. آیا در آنجا می‌توان قربانی نمود يا خير؟

ج - اگر در منی است و منع قانونی ندارد، مانعی ندارد،

ولی بدون احراز اینکه در منی است صحیح نیست، کما اینکه با منع قانونی هم، کفایت قربانی محل اشکال است.

(مسئله) کسی که سال اول حج او است و «صروره» می‌باشد، مخیر است بین حلق (سرتراشیدن) و تقصیر، (یعنی مقداری از مو و یا ناخن خود را کوتاه کند و بهتر آن است که اکتفا به گرفتن ناخن تنها نکند) ولی افضل این است که سرتراشیدن را اختیار کند مگر برای زنها که تقصیر برای آنها واجب و متعین است و تراشیدن سر برای آنها نه تنها کافی نیست بلکه حرام هم می‌باشد.

(مسئله) احتیاط آن است که تقصیر و یا حلق در روز عید باشد، اگرچه جواز در تأخیر آن تا آخر ایام تشریق<sup>۹</sup> بعید نیست، بلکه بعید نیست تأخیر آن تا آخرین زمانی که بتواند اعمال حج را در ماه ذی حجه بجا آورد و انجام حلق یا تقصیر در شب هم صحیح است و کفایت می‌کند.

(مسئله) بر کسی که حج به جا می‌آورد، واجب است در منی بیتوته کند، «یعنی شب یازدهم و دوازدهم ماه ذی حجه را

---

۹ . روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه.

در منی بماند»، و بیتوته شب در منی نسبت به نیمه اول یا نیمه دوم شب واجب تخییری است لذا اگر کسی نیمه دوم را در منی بیتوته کند مجزی است. و اگر کسی در غیر منی از روی علم و عمد بیتوته نماید باید برای هر شب يك گوسفند به عنوان كفّاره بدهد و در ضمن معصیت هم نموده است. و در ضمن نحوه محاسبه نیمه شب برای بیتوته در منی از غروب آفتاب تا طلوع فجر است.

(مسئله) شرکت در نماز جماعت اهل سنت در مسجد الحرام و مسجد النبی به حکم تقیّه مداراتی مجزی است و باید سعی شود وحدت مسلمین و عظمت نماز جماعت حفظ شود، و در هنگام اقامه نماز مؤمنین از مسجدین خارج نشوند تا سبب انگشت نماگشتن و وهن مذهب نگردد.

(س) ۱- آیا جواز اقتدا به اهل سنت اختصاص به نماز ادا دارد یا نماز قضا را نیز می‌توان اقتدا کرد؟

۲- اگر کسی بخواهد در مسجد اهل سنت پیش از نماز جماعت، دو رکعت نماز تحیت بخواند، آیا سجده بر غیر آنچه که جایز شمرده شده صحیح است؟  
ج ۱- تفاوتی نمی‌کند نماز قضا را هم می‌شود با آنها

خواند.

ج ۲ - با نماز واجب از حیث حکم تفاوتی ندارد.

(مسئله) در مسجدالنبی سجده روی فرشهای مسجد، به حکم تقیه مداراتی مجزی است و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند و یا حصیر و مانند آن همراه خود ببرند هر چند همراه داشتن آن و یا سجده بر سنگها، اگر به گونه‌ای باشد که خلاف بین مسلمین نباشد و موجب وهن نگردد، مانعی ندارد و جایز است. و کسانی که قادر بر سجده معمول و متعارف نمی‌باشند و در مسجدالحرام یا مسجدالنبی نماز می‌خوانند با توجه به اینکه نمی‌توانند مهر یا چیز دیگری به پیشانی بگذارند در این موارد با اشاره سجده کنند.

(مسئله) تخییر بین قصر و تمام در تمام شهر مکه و مدینه جاری است و اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد.

(مسئله) با توجه به اینکه استتار قرص برای خواندن نماز مغرب کافی است، بنابراین، شرکت در نماز جماعت و مراسم افطار اهل سنت صحیح است و کفایت می‌کند.

(س) هنگامی که زائران بیت‌الله الحرام یا سایرین،



وقت نماز در هواپیما هستند در صورتی که شرایط نماز (مثل قیام و قبله و رکوع و سجود) مراعات شود، آیا در صورت علم یا احتمال رسیدن در وقت نماز به مقصد و امکان خواندن آن، نماز در هواپیما کفایت می‌کند یا باید به تأخیر بیندازند، و در صورتی که نماز را در آن حال خواندند و در وقت نماز پیاده شدند اعاده آن لازم است یا نه؟

ج - در فرض مذکور نماز در هواپیما کافی است.

(س) افرادی که به مکه یا مدینه مسافرت می‌کنند اگر قصد ماندن ده روز را ندارند، آیا می‌توانند نوافل نمازهای یومیّه را بخوانند؟

ج - نمی‌توانند، چون تخییر در نماز ظهر و عصر و عشا در اماکن تخییر، يك حکم اختصاصی نسبت به خود آنهاست نه نسبت به نوافل آنها.

(س) فاصله بین مکه و عرفات که قبلاً چهار فرسخ بوده امروزه با توجه به توسعه مکه و اتصال شهر به منی، کمتر از مسافت شرعی است، در این صورت، کسی که قصد اقامه ده روز در مکه را نموده و سپس به عرفات و مشعر و منی می‌رود و چهار شب یا بیشتر در آنجا بیتوته می‌کند نماز او در عرفات و

مشعر و منی و پس از مراجعت به مکه قصر است یا تمام؟  
ج - در صورتیکه شخصی بعد از قصد و اقامت ده روز به عرفات برود و یا اینکه قصد اقامت ده روز در مکه نمود و بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی از اقامت در مکه منصرف شد و به عرفات رفت نمازهای او در عرفات و مشعر و منی و در رفتن و برگشتن تمام است.

(س) در بعضی اوقات در نماز جماعت مسجدالحرام یا مسجدالنبی اتصال صفوف بین نمازگزاران مراعات نمی‌شود، ۱- آیا شیعیان باید اتصال صفوف را مراعات کنند و یا همان مقدار که آنان نماز را صحیح می‌دانند کافی است مخصوصاً این که امکان اتصال نماز بانوان در بعضی مواقع وجود ندارد؟ ۲- آیا خواندن نماز در مسجدالحرام به نحو استداره به طوری که رو در روی امام جماعت و یا در طرفین او ایستاده باشد صحیح است؟  
ج ۱ - همانطور که نماز را آنها صحیح می‌دانند و به آن گونه نماز بخوانند کفایت می‌کند.

ج ۲ - نمازش مجزی است.

(س) پشت بام مسجدالنبی<sup>۹</sup> که دیوار اطراف پشت بام، بیش از قامت انسان بلند است و هیچ طرف صفهای نماز

جماعت مسجد پیدا نیست آیا اقتدا با این وضع صحیح است؟

ج - به حکم تقیّه مداراتی کفایت می‌کند.

(مسئله) کسی که می‌خواهد از مدینه با نذر محرم شود صیغه نذر این است

که بگوید: «لِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أُحْرِمَ مِنَ الْمَدِينَةِ». یا به فارسی بگوید: «برای

خدا بر من است که از مدینه محرم شوم».

(مسئله) برداشتن مقداری سنگ از کوه صفا و مروه، ولو فوق‌العاده هم کم

باشد، جایز نیست و حرام است و آن دو کوه را خداوند جزء شعائر

قرار داده، پس هرگونه تصرفی در آنها - غیر از اعمال عبادی و نشستن و

تکیه دادن به آنها که معمول و مرسوم بوده و ضرری هم به آنها نمی‌زده

- حرام است و تصرف در شعائرالله است و همچنین قرآنهایی که وقف

مسجدالحرام و یا مسجدالنبی و یا سایر مساجد می‌باشد جایز نیست آنها

را از مسجد خارج نموده و در هتل یا منزل قرائت نمایند.

(مسئله) چون ازاله عین نجاست از امثال سنگ و اجسام صیقیلی از مطهرات

است، بنابراین، تطهیر در مثل مسجدالحرام که سنگ فرش است با فرض یقین

به نجس شدن آن، با وضع فعلی که با ریختن مختصر مایع، عین نجاست را

زائل می‌نمایند، بعد از آنکه خشک شد و رطوبت مسریه‌اش از بین رفت،

محکوم به طهارت است و پاك می‌باشد. کما اینکه اگر قبل از ریختن مایع عین نجاست زائل شده باشد، به محض زوال محکوم به طهارت است. (مسئله) وضو گرفتن از ظرفی که مخصوص آشامیدن (در مسجدالحرام و مسجدالنبی) می‌باشد، جایز نیست و صحیح نمی‌باشد و وضو با آنها باطل است مگر آنکه جاهل قاصر باشد که در این صورت طواف و نماز او صحیح است.

(س) ۱- تحیت مسجدالحرام چیست؟

۲- آیا استلام حجرالاسود برای بانوان با توجه به ازدحام جمعیت و تماس بدنشان با نامحرم و پیدا شدن موهایشان جایز است یا نه؟  
ج ۱ - تحیت مسجدالحرام طواف خانه خدا می‌باشد همان طور که شهید اول در دروس<sup>۱۰</sup> فرموده اند.

ج ۲ - در این صورت از استلام خودداری نمایند.

(مسئله) مسافر می‌تواند برای خواستن حاجت سه روز در مدینه طیّبه روزه بگیرد، اگرچه روزه قضا بر عهده او باشد و

---

۱۰ . الدروس ۱: ۳۹۷ .

نمی‌تواند نیت روزه قضا کند، و بنا بر احتیاط واجب، روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه باشد و اگر در سفر نذر کند که روزه بگیرد روزه اش صحیح است.

(مسئله) گاهی در مسجد الحرام و مسجد النبی کفشهای انسان گم می‌شود، ولی در بیرون از مسجد یا در کنار حجر اسماعیل<sup>۷</sup> کفشهای فراوان روی هم ریخته می‌شود که اگر یقین شود که صاحبان آن کفشها راضی و از آنها اعراض کرده‌اند، برداشتن آنها اشکال ندارد.

(س) کسانی که بنا بر فتوای جناب عالی بر تقلید از مجتهد میّت باقی مانده‌اند :

۱. آیا جواز بقا مختص به مسائل عمل کرده می‌باشد، یا در مسائلی که عمل هم نکرده باشند، بقا جایز می‌باشد؟

۲. آیا مسائل عمل کرده را می‌توانند به جناب عالی رجوع کنند؟

ج ۱ - بقای بر تقلید از میّت هر چند در مسائلی که به آن عمل نکرده، همانند مسائلی که به آن عمل نموده، جایز می‌باشد.

ج ۲ - چون بقا مطلقاً جایز است، پس رجوع هم مطلقاً،

حتی در مسائلی که عمل کرده‌اند، جایز است.

(س) حکم اعمال کسی که بدون اجازه از مرجع زنده، بر تقلید از میّت باقی است، چیست؟

ج - اگر مرجع تقلیدی را که بعد از توجه و التفات انتخاب می‌نماید فتوای او جواز بقاست، اعمال گذشته‌اش صحیح است، چون اعمالش مطابق با حجت بوده هر چند به آن حجت توجه نداشته.

(س) برخی از زائران حرمین شریفین اظهار می‌دارند که فلان مبلغ را به ما داده‌اند تا در حرم شریف نبوی<sup>۹</sup> یا قبور مطهر ائمه بقیع: بریزیم، با توجه به اینکه ریختن پول و جواهرات در آن محلها غیر ممکن است، یا صرف در حرم، یا در مصرف مقرر خود نخواهد شد و حاضر نیستند این هدایا را با خود برگردانند، آیا می‌توان آنها را در راه خیر، مثل کمک به فقرای شیعه صرف کرد؟

ج - می‌توانند به فقرای زائر یا فقرای شیعه که در آنجا هستند بدهند. (مسئله) رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی و توقف در سایر مساجد برای زن مستحاضه در صورتی که غسل‌های

واجب خود را انجام داده باشد، مانعی ندارد و بنا بر احتیاط واجب، زن حائض و نفساء نباید در حرم امامان: توقف کند ولی رفتن آنها کنار دیوار بقیع برای زیارت مانعی ندارد.

(مسئله) پولی را که مردم برای حج واجب واریز می‌کنند، چنانچه از درآمد همان سال ثبت نام کرده باشند، خمس ندارد، هرچند سالهای بعد نوبتشان بشود، اما اگر پول واریز شده متعلق خمس بوده مثل اینکه از سرمایه غیر مخمس شده برداشته‌اند یا از پولی که سال بر آن گذشته سپس واریز کرده‌اند، باید خمس آن را بدهند هر چند در همان سال ثبت نام به حج مشرف شوند.

(س) گاهی اوقات امام جماعت اهل سنت در نماز صبح روز جمعه یا روزهای دیگر آیات سوره‌های سجده‌دار<sup>11</sup> را می‌خواند و نماز گزاران در اثنای قرائت مانند اهل سنت به سجده می‌روند و بر می‌خیزند، در این صورت تکلیف چیست؟ و نیز اگر اشتبهاً و بخیال اینکه امام جماعت به رکوع رفته رکوع نماید و بعد

---

<sup>11</sup> . سوره‌های سجده‌دار عبارت‌اند از: ۱ - سوره سی و دوم (سجده)، ۲ - سوره‌چهل و یکم (فصلت)، ۳ - سوره پنجاه و سوم (نجم)، ۴ - سوره نود و ششم (علق).

متوجه شود که رکوعش زیاد شده و امام جماعت در آن وقت به سجده رفته  
بوده تکلیف نمازش چیست؟

ج - با توجه به اینکه زیادی يك سجده از راه جهل به مسأله (که ظاهراً  
هم همان مورد سؤال است) و یا از راه تبعیت، مضرّ به صحت و درست بودن  
نماز نمی‌باشد، و نمازش صحیح است و اعاده و قضا ندارد. آری زیاده دو  
سجده در يك رکعت موجب بطلان می‌باشد. و ناگفته نماند که حکم اولی  
شنیدن آیه سجده با قطع نظر از مسأله متابعت در صورت استماع باید  
ایمأء سجده کند و بعد از نماز، سجده را اعاده نماید، و زیادی رکوع  
در فرض سؤال مضرّ به نماز نمی‌باشد و نماز وی صحیح است.